

روند تعیین و تصویب دوره‌های تحصیلی در ایران (در دوره پهلوی اول)

دکتر قربانعلی کناررودی

چکیده:

تعیین دوره‌های تحصیلی که با تأسیس مدارس جدید در ایران عهد قاجار آغاز گردید، از جمله تحولات مهم در عرصه تعلیم و تربیت به شمار می‌آید. در دوره پهلوی اول اصلاح و نوسازی ساختار آموزش رسمی کشور از اهمیت بسیاری برخوردار شد و در سیاست فرهنگی کشور به‌عنوان خواسته فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مورد توجه جدی قرار گرفت. تربیت نیروی متخصص و برخوردار از علوم و آموزش‌های جدید با سیاست‌گذاری آموزشی ابتدائی و متوسطه و عالی همراه شد.

این پژوهش تلاش دارد با روش تاریخی و اسنادی و مطالعه روندی، به این پرسش پاسخ دهد که روند تعیین دوره‌های تحصیلی در ایران به‌ویژه در عصر پهلوی اول چگونه بوده است؟

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در دوره پهلوی اول ساختار آموزشی دست‌خوش تغییرات و تحولاتی گردید و نظام آموزشی در سیطره کامل دولت قرار گرفت. مواد و عناصر علوم جدید به‌تدریج در میان دانش‌آموزان و دانشجویان راه یافت. نظام آموزشی به تربیت نیروهای متخصص و برخوردار از علوم و فنون جدید به‌منظور به‌کارگیری آنان در دستگاه‌های دولتی توجه بیشتری معطوف کرد. راه‌یافتن به مقاطع تحصیلی بالاتر منوط به دریافت گواهینامه و تصدیق معتبر از مدارس و مراکز آموزشی گردید.

کلیدواژه‌ها

نظام آموزشی، دوره تحصیلی ابتدائی، متوسطه، عالی، پهلوی اول



روند تعیین و تصویب دوره‌های تحصیلی در ایران دوره پهلوی اول

دکتر قربانعلی کنارودی^۱

مقدمه:

تحولات در تغییر نظام آموزشی دولتی در ایران، به دوره قاجاریه بر می‌گردد. تا قبل از تأسیس سازمان رسمی برای آموزش و پرورش، تعلیم و تربیت، ماهیتی خصوصی و طبقاتی داشت. از زمان قاجاریه و به‌ویژه از دوره فتحعلی‌شاه به بعد و در نتیجه جنگ‌های ایران و روسیه، موضوع تعلیم و تربیت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شد. تا این زمان آموزش به شکل مکتب‌خانه‌ای بود، که خود به انواعی تقسیم می‌شد. در زمان ناصرالدین شاه، اولین هیأت دولت با شش وزارتخانه (داخله، خارجه، جنگ، مالیه و ظایف و علوم) تأسیس شد. تأسیس وزارت علوم و تأسیس دارالفنون، اولین تلاش رسمی دولت در جهت ایجاد مدارس جدید و اداره رسمی نهاد آموزش در کشور بود (شوهانی، ۱۳۸۹، ص ۴۸۴). در حقیقت تأسیس دارالفنون از نخستین گام‌های توسعه فرهنگی در دوره ناصرالدین شاه بود (اکبری، ۱۳۸۴، ص ۷۹). این مرکز تنها مؤسسه‌ای بود که شاه برای تجددطلبی و ترقی‌خواهی خود، به رخ سفرا و نمایندگان خارجی می‌کشید. گاه با اطلاع قبلی و گاه بدون اطلاع قبلی از آن بازدید می‌کرد و سؤالاتی از محصلان آن می‌پرسید و اگر پاسخ‌ها را مطابق میل و خواسته خود می‌دید به آنان پاداش می‌داد (شمیم، ۱۳۵۷، ص ۱۹۵) برخی بر این عقیده هستند که ماهیت نظامی رشته‌های مورد تدریس و به‌خصوص تنفر ناصرالدین شاه از دارالفنون از جمله عواملی بودند که باعث شدند تا در نظام آموزشی ایران تحول اساسی ایجاد نشود

۱. استادیار تاریخ و عضو هیأت علمی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران.
Gh.k.edu@gmail.com



(بوچانی، ۱۳۹۲، ص ۱۱). احتشام السلطنه با اشاره به این نکته، از ماحصل تحصیل هشت ساله خود در دارالفنون به عنوان ائتلاف عمر خود یاد می‌کند (خاطرات احتشام السلطنه، ۱۳۶۶، ص ۲۵) نیم قرن بعد از تأسیس دارالفنون و در دوران صدارت امین‌الدوله و با تلاش‌ها و اقدامات حسن رشدیه، جریان نوگرایی ادامه یافت. رشدیه، به تقلید از ترک‌های عثمانی، بانی مدارس جدید شد. یکی از علل تمایل به توسعه مدارس جدید، وضعیت آموزشی مکتب‌خانه‌ها و نتایج آموزشی آن‌ها بود که مورد انتقاد قرار می‌گرفت (نصیری، ۱۳۸۷، صص ۱۹۶-۱۹۷).

همزمان با مدارس جدید ابتدایی و پس از تشکیل انجمن امنای مدرسه، فکر ایجاد انجمن معارف از سوی برخی از علاقه‌مندان به مدارس جدید شکل گرفت که در ابتدا محلی برای فعالیت‌های سیاسی مشروطه‌خواهان شد (رشدیه، ۱۳۹۴، صص ۵۵-۵۶).

با تشکیل انجمن معارف در زمان مظفردالدین شاه، اولین تلاش سازمان‌یافته غیردولتی برای اصلاح نظام آموزشی صورت گرفت (راعی و رحمانیان، ۱۳۹۶، ص ۹۶). حلقه اصلی این انجمن را برخی از مصلحان با هدف تأسیس دارالایتام و مدرسه خیریه تشکیل می‌دادند (دولت‌آبادی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۸۵). انجمن به‌عنوان پشتیبان مدارس جدید، ابتدا برنامه تأسیس و تنظیم نظام آموزشی همگانی و مستقل از نظام سنتی و تقویت تمامی سطوح آموزشی از ابتدایی تا پیشرفته را در پیش گرفت. لذا تلاش فعالان آموزشی جدید، اصلاح نظام سنتی نبود، اما ترکیب برنامه‌های آموزشی و سبک اروپایی به‌تدریج نظام سنتی را به حاشیه راند (شوهانی، ۱۳۸۹، ص ۴۸۵). دومین بخش از برنامه انجمن، معطوف بر نظارت مستقیم بر مدارس سبک اروپایی در ایران بود. اما نفوذ مظفردالدین شاه بر امین‌السلطان که توانسته بود نهادهای مخالف سلطنت از جمله انجمن معارف را حذف یا قبضه کند، موجب انحلال موقت انجمن شد. دوره جدید انجمن با حمایت امین‌السلطان در ۱۲۸۰ ش. و با هدف رفع نواقص انجمن آغاز به کار کرد. با صدارت امین‌الدوله به‌جای امین‌السلطان، شورای عالی معارف دوباره منحل شد.

در ۱۲۸۹ ش. مجلس شورای ملی، قانون اداری وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه را تصویب کرد که بر اساس آن، رسیدگی به امور مدارس را برعهده آن وزارت سپرد. از این زمان روند امور معارف کشور رو به بهبود گذاشت. تعلیمات ابتدایی اجباری شد. وضعیت مدارس نظم بیشتری گرفت و مدارس به دو گروه ملی و دولتی تقسیم شدند. بودجه مدارس ملی از طریق اخذ شهریه از محصلان و مدارس دولتی نیز از طریق بودجه دولتی تأمین می‌شد و توانست تمامی مدارس را تحت پوشش قوانین دولتی قرار دهد (صدیق، ۱۳۵۲، ج ۴، ص ۱۲۴) در ۲۰ اسفند ۱۳۰۰ پس از آنکه مجلس شورای ملی قانون شورای عالی معارف را تصویب کرد، شورا به‌عنوان اصلی‌ترین نهاد برنامه‌ریزی دولتی در زمینه آموزش رسمی کشور معین شد و به‌موجب قانون، حوزه تصمیم‌گیری و نظارت شورا بدین قرار تعیین شد: پی‌ریزی نظام آموزش، آموزشگاه‌ها



و تعیین مدیران آن‌ها، تعیین محتوای کتب درسی و متون آموزشی، برنامه‌ها و آیین‌نامه‌های مدارس، تشخیص صلاحیت مؤسسان مدارس جدید، تشخیص صحت و سقم گواهی‌نامه‌ها و دانشنامه‌های فارغ‌التحصیلان خارج از کشور، اصلاح مکتب‌خانه‌ها، تعیین شهریه دانش‌آموزان مدارس غیردولتی، تعیین صلاحیت آموزگاران و دبیران، تعیین شرایط دانشجویان اعزامی به کشورهای خارجی به هزینه دولت. هدف محوری قانون یاد شده، سوق‌دادن آموزش به سوی تمرکزگرایی بیشتر و تلاش برای ساختاربندی نهاد آموزش بود (راعی و رحمانیان، ۱۳۹۶، ص ۶۲)

مطالعه سیر تحول برنامه‌ریزی درسی در ایران نشان می‌دهد که تا زمان تصویب قانون اساسی معارف در سال ۱۲۹۰، دولت در تهیه و تصویب برنامه‌های درسی و تعیین دوره‌های مختلف تحصیلی دخالت نداشته و حتی نظارتی بسیار اندک داشته است. برای نخستین بار در قانون اساسی معارف، نقش وزارت معارف در تهیه و تدوین برنامه‌های درسی و تعیین دوره‌های تحصیلی به صورت پررنگ‌تری در مواد شماره دو، چهارده، پانزده، شانزده و هفده مشخص گردید. در ماده دوم این قانون آمده است: برنامه مدارس و مکاتب از طرف وزارت معارف معین می‌گردد و باید در برنامه حیثیت علمی و صنعتی و نشو و نمای بدنی ملحوظ باشد. در ماده چهاردهم درباره تعیین کتب درسی آمده است: وزارت معارف باید تدریس کتبی را که مضر به اخلاق و دین محصلین است ممنوع نماید و کتبی که از طرف وزارت معارف ممنوع شده باشد در هیچ مدرسه‌ای نباید تدریس شود. در ماده شانزده این قانون آمده است: هر یک از مکاتب و مدارس چهارگانه برنامه مخصوص قانونی خواهد داشت و وزارت معارف مسئول اجرای آن برنامه‌ها است. در ماده هفدهم قانون تأکید شد که برنامه مکاتب و مدارس ابتدایی و متوسطه باید تعلیم واجبات دینی را به قدر لزوم شامل باشد (ساکما؛ ۱۶۳۹-۲۹۷) می‌توان گفت از این دوره به بعد تلاش برای متمرکز کردن برنامه‌های درسی از سوی دولت افزایش یافته است.

در دوره پهلوی اول نظام آموزشی ایران به صورت نظامی یکپارچه، بنیانگذاری شد و در سیطره کامل دولت و وزارت معارف قرار گرفت و شورای عالی معارف که در سال ۱۲۸۷ش تشکیل شده بود، در رأس تشکیلات آموزشی و معارف کشور به برنامه‌ریزی درسی و تعیین دوره‌های تحصیلی پرداخت. از وظایف مهم شورای عالی معارف توسعه دوایر علوم و اشاعه معارف و فنون و رفع نقایص تحصیلات علمی و فنی بود. سیاست‌ها و برنامه‌های شورای عالی معارف تلفیقی از خواسته‌های دولت و وزارت معارف بود. تعیین نظام آموزشی جدید ابتدایی، متوسطه و عالی و گسترش علوم و فنون جدید در میان دانش‌آموزان و دانشجویان در دستور کار شورای عالی معارف قرار گرفت و نگارش و تصویب مقررات و آیین‌نامه‌ها و دستور برنامه‌های درسی برای هر یک از مقاطع تحصیلی را آغاز کردند. بنابراین پژوهش حاضر به دنبال بررسی روند تعیین دوره‌های تحصیلی مدارس و دانشکده‌های کشور در عصر پهلوی اول می‌باشد.



تعیین دوره‌های تحصیلی مدارس ابتدایی تا عالی

در قانون شورای عالی معارف مصوب سال ۱۳۰۰، رسیدگی به برنامه‌های مدارس و تطبیق کتاب‌های درسی با برنامه‌های درسی پیشنهاد داده شده از سوی این شورا، یکی از وظایف مهم شورای عالی معارف تعیین شد. این وظیفه در بخش تشکیلاتی وزارت معارف و اوقاف بر عهده «اداره معارف» بوده است.

دوره ابتدایی:

در زمان پیش از مشروطه و فعالیت‌های آغازین انجمن معارف و تأسیس مدارس جدید در ایران، دوره تحصیلی ابتدایی چهار سال بود (روزنامه معارف، ۱۳۲۵، ش ۳۵، ص ۲). برای نخستین بار و در زمان وزارت نصیرالدوله بدر به سال ۱۲۹۸ ش. دوره ابتدایی به شش سال تحصیلی مستمر شامل دو سال مقدماتی و چهار سال ابتدایی تعیین گردید (نویسی، ۱۳۷۷، ص ۳۵-۳۶). این تقسیم‌بندی ادامه داشت تا اینکه شورای عالی معارف در جلسه مورخ ۱۳۱۳/۱۰/۳۰ دست به تغییراتی در دوره تحصیلات ابتدایی زد و دوره ابتدایی را به یک دوره چهار ساله و یک دوره دو ساله تقسیم کرد. در پایان تحصیلات دوره چهار ساله اول، شهادت‌نامه ابتدایی برای محصلان صادر می‌شد و مقدمه‌ای برای تحصیلات ابتدایی اجباری بود. در پایان تحصیلات دو ساله دوم، شهادت‌نامه دیگری به‌عنوان شهادت‌نامه متمم تحصیلات ابتدایی به محصلان داده می‌شد (ساکما؛ ۲۹۷-۳۸۷۲۸).

در این بین، دوره تحصیلی برخی از مدارس خاص مانند هنرستان موسیقی کمی متفاوت بود. در سال ۱۳۱۵ و در جلسه سیصد و چهل و سوم، شورای عالی معارف اساسنامه و برنامه هنرستان موسیقی را در دوازده ماده تصویب کرد. در این مصوبه دوره ابتدایی هنرستان موسیقی، شش سال و برنامه آن مطابق با سایر دبستان‌ها به اضافه مبانی نظری موسیقی و ساز بود. این دوره از نظر فنی به دو قسمت سه ساله تقسیم می‌شد. سه سال با عنوان «کلاس‌های تهیه» عبارت از سه سال اول که مخصوص تربیت گوش و تحریک ذوق موسیقی بود. سه سال دیگر با عنوان «کلاس‌های مقدماتی» عبارت از سه سال دوم که مخصوص آزمایش ذوق موسیقی در بین دانش‌آموزان بود (تعلیم و تربیت، ۱۳۱۵، ش ۱۱، ص ۸۳۱-۸۳۲).

دوره متوسطه اول:

تا پیش از مشروطه چیزی به نام دوره متوسطه معمول و مطرح نبود. دانش‌آموزان بلافاصله پس از طی دوره ابتدایی وارد مدارس عالی می‌شدند. از ابتدای تصویب قانون اساسی معارف و سایر قوانین و مقررات آموزشی، دوره متوسطه اول و دوم به‌عنوان دوره‌های تحصیلی بعد از دوره ابتدایی در نظر



گرفته شد. دوره اول متوسطه شامل سه سال تحصیلی بود. در سال ۱۳۰۳ و به دنبال تصویب برنامه تعلیمات متوسطه و به منظور آمادگی بیشتر شاگردان، برای ورود به دوره متوسطه اول، دوره‌ای یک ساله تحت عنوان «کلاس تهیه» در نظر گرفته شد (ساکما؛ ۳۰۱۵۲-۲۹۷). اسناد مربوط به دستور تحصیلات متوسطه اول نشان می‌دهد که همزمان در این سال برنامه تحصیلی دیگری برای مدارس متوسطه دختران تهیه و تدوین گردید. بر این اساس، دوره متوسطه دختران پنج سال در نظر گرفته شد که سال‌های اول و دوم و سوم همان متوسطه اول محسوب می‌شد و سال چهارم و پنجم به عنوان متوسطه دوم تحصیلی بوده است (ساکما؛ ۱۳۴۲۷-۲۹۷). این برنامه ادامه داشت تا در تیر ماه سال ۱۳۱۶ شورای عالی معارف در جلسه سیصد و پنجاه و یک خود دوره متوسطه دختران را رسماً به دو دوره سه ساله اول و سه ساله دوم تعیین و تصویب کرد (ساکما؛ ۱۳۴۲۷-۲۹۷).

دوره متوسطه دوم:

از ابتدای تأسیس دبیرستان در ایران، دوره متوسطه دوم به عنوان پایه و اساس تحصیلات عالی محسوب شده و به دو قسمت علمی و ادبی تقسیم گردید. مدت زمان تحصیل در این دوره تحصیلی سه سال بود. در سال ۱۳۱۷ با توجه به مشکلاتی که در برنامه درسی این دوره وجود داشت، تغییراتی در آن به عمل آمد و دوره متوسطه دوم به یک دوره دو ساله و یک دوره یک ساله (سال ششم متوسطه) تقسیم شد. در پایان هر کدام از دوره‌های تحصیلی امتحانات رسمی برگزار می‌شد. به کسانی که پس از دوره اول متوسطه دوره دو ساله عمومی متوسطه دوم را نیز می‌گذراندند، گواهینامه پنجم علمی داده می‌شد (کرونین، ۱۳۸۲، صص ۲۰۶-۲۰۹). به موجب این برنامه جدید، سال ششم متوسطه جنبه تخصصی داشت و دانش‌آموزان در سه رشته ادبیات، ریاضیات و طبیعیات تحصیل می‌کردند و پس از کسب موفقیت در امتحانات، دیپلم کامل متوسطه را دریافت می‌کردند (صدیق، ۱۳۵۵، ص ۳۲۴).

مدارس تخصصی دیگر، مانند مدرسه فنی پست و تلگراف، دبیرستان فلاحت، دبیرستان فنی مالیه، مدارس دینی اهل سنت و جماعت، مدرسه صنعتی تهران و هنرستان موسیقی همگی از قاعده دوره‌بندی تحصیلی مصوب شورای عالی معارف پیروی می‌کردند. دوره‌های تحصیلی در مدارس پست و تلگراف سه سال (ساکما، ۳۸۲۴۲-۲۹۷)، دبیرستان تجارت سه سال (تعلیم و تربیت، ۱۳۱۳، ش ۸۰۷، صص ۴۸۹-۴۹۷)، دبیرستان فنی مالیه سه سال (تعلیم و تربیت، ۱۳۱۵، ش ۶ صص ۴۷۲-۴۷۳؛ تعلیم و تربیت، ۱۳۱۵، ش ۷، ص ۵۴۱) و دبیرستان فلاحت دو سال بوده است (تعلیم و تربیت، ۱۳۱۳، ش ۱۰، صص ۶۲۷-۶۳۵).

دوره‌های تحصیلی در مدرسه صنعتی و هنرستان موسیقی کمی با دیگر مدارس متفاوت بود.



به موجب مصوبه جلسه هفتاد و دوم شورای عالی معارف در اسفند ماه ۱۳۰۵ دوره تحصیلی مدرسه صنعتی به صورت پیوسته به دو دوره متوسطه اول و متوسطه دوم تقسیم شد. دوره اول متوسطه شامل دوره حرفه نجاری، دباغی و آهنگری و برای دوره دوم تحصیلی و دوره عالی، مهندسی ماشین سازی و شیمی و دواسازی در نظر گرفته شد. چنانچه هر یک از شاگردان با موفقیت دوره اول متوسطه این مدرسه را به اتمام می‌رسانند و همچنین از عهده امتحان زبان آلمانی برمی‌آمدند مستقیماً وارد دوره دوم متوسطه صنعتی می‌شدند. علاوه بر موارد فوق برای تقویت بنیه علمی شاگردان این مدرسه در هر یک از دو دوره متوسطه اول و دوم یک سال «کلاس‌های تهیه» در نظر گرفته شده بود (ساکما؛ ۳۰۵۵۲-۲۹۷).

هنرستان موسیقی دارای دوره متوسطه پیوسته به مدت شش سال و شرط ورود به آن داشتن تصدیق‌نامه ابتدایی عمومی و استعداد موسیقی بود. این هنرستان به دو دوره متوسطه و عالی تقسیم شده و مدت تحصیل هنرآموزان در دوره متوسطه شش سال و در دوره عالی آن چهار سال تمام و شرط ورود به دوره عالی نیز داشتن تصدیق‌نامه دوره متوسطه موسیقی یا معادل آن بوده است (تعلیم و تربیت، ۱۳۱۳، ش ۵، صص ۳۱۷-۳۲۰). بعدها بر اساس مصوبه ۱۵ دی‌ماه ۱۳۱۵ شورای عالی معارف، در دوره متوسطه هنرستان موسیقی تغییراتی ایجاد شد و علاوه بر درس علمی و عملی موسیقی، درس فارسی، ریاضی، تاریخ و جغرافیا، فیزیک و زبان خارجه هم به برنامه تحصیلی آن اضافه شد و دوره متوسطه از سال چهارم به بعد به سه شعبه مقدماتی تخصص در ترکیب‌بندی و مدیریت ارکستر و موزیک هارمونی، شعبه مقدماتی تخصص در ساز و آواز و شعبه آموزگاری سرود تقسیم شد. طول مدت تحصیل در شعبه آموزگاری سرود و موسیقی دو سال بود (تعلیم و تربیت، ۱۳۱۵، ش ۱۱، صص ۸۳۱-۸۳۵).

در یازده مرداد سال ۱۳۱۷ شورای عالی معارف در جلسه سیصد و هفتاد و دو با تأسیس شعبه مخصوص موسیقی نظام در هنرستان موسیقی موافقت و برنامه تحصیلی آن را تصویب کرد. به موجب این مصوبه، شعبه موسیقی نظام دارای دو دوره متوسطه و دوره عالی شد. دوره متوسطه آن شش سال و دوره عالی آن دو سال بود (تعلیم و تربیت، ۱۳۱۷، ش ۴ و ۳، صص ۱۰۳-۱۰۵).

دوره‌های تحصیلی مراکز دارالمعلمین:

دوره‌های تحصیلی این مراکز نیز از سوی شورای عالی معارف تعیین می‌شد. دوره تحصیلی دارالمعلمین مرکزی، نخستین مرکز تربیت معلم در ایران که در سال ۱۲۹۷ش ایجاد شد، شامل دو شعبه ابتدایی و عالی بود. از جزئیات آن اطلاع دقیق و مستندی موجود نیست، ولی شعبه ابتدایی آن جهت تربیت شاگردان برای تدریس در مدارس ابتدایی بود که بعدها دانشسرای مقدماتی جای آن را می‌گیرد. شعبه عالی دارالمعلمین مرکزی نیز به منظور تربیت معلم برای



دبیرستان‌ها ایجاد شده بود. این شعبه نیز در سال‌های بعد جای خود را به دانشسرای عالی داد (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۰، ج ۱، صص ۴۰۷-۴۰۹).

همزمان با دارالمعلمین مرکزی ضرورت ایجاد مرکزی برای تربیت معلم‌های زن به‌منظور تدریس در مدارس دخترانه نیز مطرح گردید. لذا نخستین مرکز دارالمعلمات در زمان وزارت نصیرالدوله بدر در سال‌های ۱۲۸۷ ش. تأسیس شد. دوره تحصیلات دارالمعلمات پنج سال و به دو قسمت تقسیم می‌شد. قسمت اول شامل سه سال متوسطه بود که مطابق با برنامه مدارس متوسطه دختران تدریس می‌شد و شرط ورود به آن داشتن تحصیلات ابتدایی بود. قسمت دوم شامل دو سال بود که در طی آن شاگردان را برای معلمی آماده می‌کردند و شرط ورود به این قسمت نیز داشتن تصدیق‌نامه سه ساله متوسطه بود (حکمت، ۱۳۰۷، صص ۱۲۹-۱۳۰).

دارالمعلمین ورزش در سال ۱۳۰۵ در زمان احمدخان بدر (نصیرالدوله) وزیر معارف وقت تأسیس شد. بر اساس ماده دوم دستور تعلیمات این مرکز که در جلسه چهل و نهم شورای عالی معارف، به تاریخ چهارشنبه ۱۵ تیرماه ۱۳۰۵ ش. تصویب شد مدت زمان تحصیلات این مرکز دو سال تعیین گردید (تعلیم و تربیت، سال دوم، ش ۴، صص ۲۱۴-۲۱۸).

دارالمعلمین شبانه اکابر در سال ۱۳۰۶ و در زمان وزارت معارف سید محمد تدین تأسیس شد. هدف از آن رفع نقایص تعلیمی و تحصیل معلمان مدارس ابتدایی بود. در اساسنامه دارالمعلمین اکابر شبانه که در تاریخ ۳۰ فروردین ۱۳۰۶ در جلسه هفتاد و پنجم شورای عالی معارف تصویب شد، دوره تحصیلی مرکز دارالمعلمین شبانه اکابر، یک سال و در حدود تحصیلات دوره اول متوسطه تعیین شد (تعلیم و تربیت، ش ۲۱، صص ۱۰۰-۱۰۱).

دارالمعلمین ابتدایی ایالات و ولایات به‌منظور تأمین معلمان مدارس ابتدایی استان‌ها و شهرستان‌های ایران تشکیل شد. طبق مصوبه سال ۱۳۰۶ مجلس شورای ملی به شورای معارف در ایالات و ولایات مجوز تأسیس دارالمعلمین ابتدایی داده شد. شرط ورود به این مراکز داشتن مدرک دوره اول متوسطه و مدت زمان تحصیل در آن یک سال بود (صافی، ۱۳۸۷، ص ۱۸۱).

در مهر ماه ۱۳۰۷ به دستور وزیر معارف وقت یحیی خان قراگوزلو (اعتمادالدوله) وظایف دارالمعلمین مرکزی به دارالمعلمین عالی واگذار شد و مقرر گردید تا این مرکز در دو قسمت ادبی (شامل شعبه‌های «فلسفه و ادبیات» و «تاریخ و جغرافیا» و علمی (شامل شعبه‌های «فیزیک و شیمی»، «تاریخ طبیعی و ریاضیات»، و طی دوره‌های سه ساله به تربیت دبیر با مدرک لیسانس بپردازد (صافی، ۱۳۸۵، صص ۱۷۸-۱۷۹؛ تعلیم و تربیت، ۱۳۰۶، ش ۲۱، صص ۱۰۰-۱۰۱).

در اسفندماه ۱۳۱۲ قانون تأسیس دانشسرای مقدماتی و عالی به تصویب مجلس شورای ملی رسید. دوره تحصیلات شاگردان در دانشسرای مقدماتی دو سال بود و به فارغ‌التحصیلان پس از دو سال تحصیل همراه با گواهی معتبر، مدرک دیپلم دانشسرای مقدماتی اعطا می‌شد.



تحصیل در دانشسرا به صورت شبانه‌روزی بود و هر دانشسرا یک دبستان به جهت آموزش عملی در ضمیمه خود داشت (تعلیم و تربیت، ش ۷ و ۸، ص ۵۱۲) شورای عالی معارف در جلسه ۳۳۹ خود در تاریخ ۱۲ آبان ماه ۱۳۱۵ ضمن موافقت با تأسیس دانشسرای مقدماتی دختران، دوره تحصیلی آن مرکز را دو سال تعیین و تصویب کرد (تعلیم و تربیت، ۱۳۱۵، ش ۸، صص ۶۳۴-۶۳۸).

دوره‌های تحصیلی مراکز آموزشی عالی:

۱) **هنرستان موسیقی؛** هنرستان موسیقی نیز از جمله مراکزی بود که به دو دوره متوسطه و عالی تقسیم شده و مدت تحصیل هنرآموزان در دوره متوسطه آن شش سال و در دوره عالی آن چهار سال تمام و شرط ورود به دوره عالی نیز داشتن تصدیقنامه دوره متوسطه موسیقی یا معادل آن بوده است (تعلیم و تربیت، ۱۳۱۳، ش ۵، صص ۳۱۷-۳۲۰).

۲) **مدرسه عالی بیطارى؛** اساسنامه و دستور تحصیلات مدرسه عالی بیطارى در ۱۶ بهمن ماه ۱۳۱۳ در سیصد و یکمین جلسه شورای عالی معارف به تصویب رسید. بر طبق این اساسنامه شرط اصلی ورود به مدرسه بیطارى داشتن تصدیق دوره کامل متوسطه علمى و دوره تحصیلی آن چهار سال بود. در آخر دوره تحصیلی به محصلانی که از عهده کلیه امتحانات کتبی و شفاهی و عملی برآمده و رساله خود را می‌نوشتند دیپلم دکتری به‌عنوان (دکتر بیطار) با امضای مشترک وزارت معارف و اداره کل فلاحت اعطا می‌شد (تعلیم و تربیت، ۱۳۱۳، ش ۱۲، صص ۷۶۴-۷۶۳).

۳) **دانشسرای عالی؛** تصویب قانون تأسیس دانشسرای عالی همزمان با دانشسرای مقدماتی در سال ۱۳۱۲ بود. در ۲۰ شهریور سال ۱۳۱۳ اساسنامه و دستور تحصیلات دانشسرای عالی در جلسه دویست و هشتاد و چهارم شورای عالی معارف به تصویب رسید. هدف از تأسیس آن تربیت دبیر برای دانشسرای مقدماتی و دبیرستان‌ها و همچنین مدیر و مقتش برای وزارت معارف اعلام شد و دوره تحصیلی در این مرکز آموزشی سه سال تعیین گردید. این دانشسرا از ابتدای تأسیس به دو قسمت یا دانشکده علمى و ادبی و یک شعبه علوم تربیتی تقسیم شد. رشته‌های تحصیلی دانشسرای عالی در سال ۱۳۱۳ هفت رشته بود که در سال ۱۳۱۷ به ۹ رشته افزایش یافت (تعلیم و تربیت، ۱۳۱۷، ش ۵ و ۶، صص ۹۲-۹۶).

۴) **دانشگاه تهران؛** طرح تأسیس دانشگاه تهران که جامع همه یا اغلب مدارس عالی‌ه باشد در زمان کفالت وزارت معارف علی‌اصغر حکمت مطرح و قانون آن در کمیسیونى مرکب از دکتر صدیق رئیس دارالمعلمین عالی، دکتر شفق، دکتر سیاسى، دکتر حسابى و محمدعلی گرگانی



رئیس وقت اداره بازنشستگی کشوری مورد مطالعه قرار گرفت و سرانجام در ۸ خرداد سال ۱۳۱۳ از تصویب مجلس شورای ملی گذشت. به موجب ماده دوم آن قانون شعب: علوم معقول و منقول، علوم طبیعی و ریاضی، ادبیات، فلسفه و علوم تربیتی، طب و شعب و فروع آن، حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی، فنی که هر یک «دانشکده» نامیده می‌شد برای دانشگاه در نظر گرفته شد (محبوبی اردکانی، ۱۳۵۰، ص ۵۶).

با تأسیس دانشگاه تهران، دانشسرای عالی بلافاصله بدان ملحق شد و حتی در ابتدا به واسطه نداشتن ساختمان دانشکده ادبیات و علوم دانشگاه در این مرکز به فعالیت پرداخت. با افزایش رشته‌های تحصیلی دانشگاه، شورای دانشگاه مسئولیت تعیین دوره تحصیلی و برنامه‌های دانشکده‌ها را بر عهده گرفت.

۴-۱) **دانشکده معقول و منقول**: از دانشکده‌های وابسته به دانشگاه تهران است. به موجب ماده دوم قانون تأسیس دانشگاه تهران، شش شعبه علوم معقول و منقول، علوم طبیعی، ریاضی، ادبیات و فلسفه و علوم تربیتی، طب و فروع آن و حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی و فنی که هر یک دانشکده نامیده می‌شدند برای دانشگاه در نظر گرفته شد. شورای عالی معارف در ۸ خرداد ۱۳۱۳ اساسنامه و برنامه تحصیلی دانشکده معقول و منقول را تصویب کرد. به موجب این مصوبه شرط ورود به این دانشکده داشتن گواهینامه کامل دوره ادبی بوده است و دانشجویان می‌توانستند در سه شعبه ادبیات، معقول و منقول ادامه تحصیل دهند. دوره تحصیل در این دانشکده در هر یک از سه شعبه سه سال تحصیلی بود (دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، ۱۳۴۵، ش ۱، صص ۱-۸).

۴-۲) **دوره تحصیلی دانشکده ادبیات**: این دوره در ششم تیر ماه ۱۳۱۳ در جلسه دویست و هفتاد و پنجم شورای عالی معارف تصویب شد. به موجب این مصوبه شرط ورود به دانشکده ادبیات داشتن تصدیق‌نامه کامل متوسطه از شعبه ادبیات بود. مدت تحصیل برای اخذ لیسانس در این دانشکده سه سال بود. لیسانس در ادبیات شامل یکی از چهار رشته زبان فارسی، زبان خارجه، تاریخ و جغرافیا و فلسفه بود. چنانچه دانشجویی با داشتن تصدیق‌نامه دوره کامل متوسطه ادبی بخواهد به دانشکده علوم یا با داشتن تصدیق متوسطه کامل علمی داوطلب ورود در دانشکده ادبیات باشد باید مواردی را که برای ورود به دانشکده لازم است در خود دانشکده امتحان دهد (همان) این مصوبه با کمی اصلاح و تغییر در جلسه دویست و هشتاد و پنج شورای عالی معارف مورخ ۲۷ شهریور ماه ۱۳۱۳ مجدداً تصویب گردید (تعلیم و تربیت، ۱۳۱۳، ش ۷، صص ۴۸۶-۴۸۵).



۳-۴) دوره تحصیلی دانشکده علوم این دوره در ششم تیر ماه ۱۳۱۳ و در جلسه دویست و هفتاد و پنج شورای عالی معارف تصویب شد. به موجب این مصوبه شرط ورود به دانشکده علوم داشتن تصدیق کامل متوسطه یکی از شعب ریاضیات و طبیعیات بود و مدت تحصیل برای اخذ لیسانس سه سال تعیین شد. لیسانس در دانشکده علوم شامل یکی از سه رشته ریاضیات، فیزیک و شیمی و علوم طبیعی بود (تعلیم و تربیت، ۱۳۱۳، ش ۵، صص ۳۱۲-۳۱۳). این مصوبه با کمی اصلاح در جلسه دویست و هشتاد و پنج شورای عالی معارف مورخ ۲۷ شهریور ماه ۱۳۱۳ ش مجدداً مورد تصویب قرار گرفت (تعلیم و تربیت، ۱۳۱۳، ش ۷، صص ۴۸۵-۴۸۶).

۴-۴) دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی؛ در هشتاد و هفتمین جلسه شورای عالی معارف به تاریخ ۱۵ شهریور ماه ۱۳۰۶ اساسنامه و برنامه تحصیلی مدرسه حقوق و علوم سیاسی به تصویب رسید. به موجب این اساسنامه دوره مدرسه مزبور سه سال و شرط ورود داوطلبان دارا بودن تصدیقنامه متوسطه کامل شعبه ادبی و یا تصدیقنامه متوسطه کامل دارالمعلمین مرکزی بوده است. دانشجویان پس از موفقیت در امتحانات شفاهی و کتبی و فارغ‌التحصیلی مدرک لیسانس دریافت می‌کردند (تعلیم و تربیت، ۱۳۰۶، ش ۳ و ۴، صص ۲۲۶-۲۳۰). در ۲۷ تیرماه ۱۳۱۳ شورای عالی معارف با اضافه کردن برخی مواد به اساسنامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی مصوب سال ۱۳۰۷، رشته‌های اختصاصی چهارگانه قضایی، دیپلوماسی، اقتصادی و اداری، و تجارتي این دانشکده را تصویب کرد (تعلیم و تربیت، ۱۳۱۳، ش ۵، صص ۳۱۴-۳۱۶) این شورا در سیزده شهریور سال ۱۳۱۷ اساسنامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی را مورد بازنگری قرار داد و رشته‌های این دانشکده را به سه رشته قضائی، سیاسی و اقتصاد کاهش داد. دروس سال اول و دوم در هر سه رشته مشترک بود و در سال سوم هر یک از رشته‌ها دروس اختصاصی خود را می‌گذراندند (تعلیم و تربیت، ۱۳۱۷، ش ۵ و ۶، صص ۹۷-۹۸).

۴-۵) دانشکده طب؛ نظام‌نامه تشکیل دانشکده طب در ۲۷ شهریور ۱۳۰۷ از سوی وزارت معارف تصویب شد. در اساسنامه و دستور تحصیلات و امتحانات این دانشکده که در دو جلسه رسمی شورای عالی معارف (جلسه دویست و هشتادم، و دویست و هشتاد و یکم) در ۱۶ مرداد ۱۳۱۳ به تصویب رسیده است شرط اصلی ورود به دانشکده طب داشتن تصدیق‌نامه کامل دوره شش ساله متوسطه قسمت علمی (اعم از طبیعی یا ریاضی) و تصدیق‌نامه فیزیک، شیمی و تاریخ طبیعی می‌باشد. دانشجویان این دانشکده پس از طی تحصیلات دوره کامل متوسطه قسمت علمی (اعم از طبیعی یا ریاضی)، تحصیلات دوره فیزیک، شیمی و تاریخ طبیعی، تحصیلات دوره پنج ساله طب، نوشتن رساله در طب و یک سال خدمت عملی در یکی از بیمارستان‌ها به درجه دکتری

در طب نائل می‌شدند (تعلیم و تربیت، ۱۳۱۳، ش ۶، صص ۳۷۸-۳۸۰). شورای عالی معارف در سیصد و پنجاه و سومین جلسه خود در تاریخ ۲۱ تیر ماه ۱۳۱۶ شرایط ورود به دانشکده طب و دواسازی و دندانسازی را کمی تغییر داد. به‌موجب این مصوبه، شرط ورود به دانشکده دواسازی و دندانسازی داشتن گواهینامه شش ساله متوسطه رسمی از شعبه علمی تعیین شد (تعلیم و تربیت، ۱۳۱۶، ش ۱۰۹، ص ۵۷۷).

۴-۶) دانشکده فنی؛ در سال ۱۳۰۶ با عنوان مدرسه عالی صنعتی فعالیت خود را آغاز کرد. در اساسنامه مدرسه صنعتی که در جلسه هفتاد و سوم شورای عالی معارف مورخ ۱۶ فروردین ۱۳۰۶ تصویب شد، هدف از تأسیس مدرسه تهیه مهندس طرق و شوارع، راه‌آهن، سدبندی، پل‌سازی و ساختمان آمده است. شرط ورود به این مدرسه داشتن دیپلم کامل متوسطه شعبه علمی و مدت دوره تحصیلی در آن چهار سال بود (سالنامه و احصائیه معارف، ۱۳۰۸-۱۳۰۷، ص ۱۳۹). آخرین تغییر و تحول در اساسنامه و دستور تحصیلات دانشکده فنی در ۱۳ شهریور ۱۳۱۳ در دویست و هشتاد و سومین جلسه رسمی شورای عالی معارف صورت گرفت. به‌موجب این مصوبه مدت تحصیلات در هر رشته فنی چهار سال و سال‌های اول و دوم نیز بین تمام رشته‌ها مشترک بود. دانشکده فنی دارای پنج رشته مهندسی طرق و ساختمان، مهندسی معدن و تصفیة فلزات، مهندسی مکانیک، مهندسی برق (الکتریسته) و مهندسی شیمی صنعتی بود (تعلیم و تربیت، ۱۳۱۳، ش ۸۷، صص ۵۰۵-۵۱۱).

نتیجه:

تغییرات نظام آموزشی دولتی در ایران به دوره قاجاریه بر می‌گردد. تا قبل از تأسیس نهاد و سازمان رسمی برای آموزش و پرورش، تعلیم و تربیت ماهیتی کاملاً خصوصی و طبقاتی داشت. از زمان قاجاریه و به‌ویژه دوره فتحعلی‌شاه به بعد و در نتیجه جنگ‌های ایران و روس، موضوع تعلیم و تربیت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شد. در زمان ناصرالدین شاه و تأسیس دارالفنون و تأسیس وزارت علوم اولین تلاش رسمی دولت برای ایجاد مدارس جدید و اداره رسمی نهاد آموزش در کشور آغاز شد. در حقیقت تأسیس دارالفنون را می‌توان از نخستین گام‌های توسعه فرهنگی در دوره ناصرالدین شاه برشمرد. در دوران مظفرالدین شاه و صدارت امین‌الدوله و با تلاش‌ها و اقدامات حسن رشدیه، جریان نوگرایی ادامه یافت و رشدیه، به تقلید از ترک‌های عثمانی، بانی مدارس جدید شد. با تشکیل انجمن معارف در این زمان، اولین تلاش سازمان‌یافته غیردولتی برای اصلاح نظام آموزشی صورت گرفت. انجمن به‌عنوان پشتیبان مدارس جدید، برنامه تأسیس و تنظیم نظام آموزشی همگانی و مستقل از نظام سنتی و تقویت تمامی سطوح آموزشی از ابتدایی تا پیشرفته را در پیش گرفت.



وقوع انقلاب مشروطه و تشکیل اولین مجلس شورای ملی و پس از آن تشکیل وزارتخانه‌های متعدد، موجب تحولی اساسی در نظام آموزشی ایران گردید. قانون اساسی مشروطه، دولت را رسماً مکلف به اداره امور مدارس و آموزش و گسترش آن کرد. به دنبال تصویب قانون اساسی معارف در سال ۱۲۹۰ ش، تعلیمات ابتدایی در کشور اجباری شد.

از ۲۰ اسفند ۱۳۰۰ و پس از تصویب قانون شورای عالی معارف از سوی مجلس شورای ملی، این شورا به‌عنوان اصلی‌ترین نهاد برنامه‌ریزی دولتی در زمینه آموزش رسمی کشور آغاز به کار کرد. مدارس جدید با شتاب جای نظام آموزش سنتی را گرفتند و توسعه یافتند. این روند که آموزش و پرورش کاملاً تحت کنترل دولت باشد و تمام مراکز آموزشی تحت نظارت وزارتخانه‌ای رسمی و متمرکز قرار گیرد، در تجدید سازمان فرهنگی دوره رضاشاه نیز ادامه یافت و این مهم از بیشترین اشتغالات شورای عالی معارف در دوره پهلوی اول (با توجه به تنوع مدارس در دوره متوسطه و عالی و افزایش رشته‌های تخصصی علمی، تعیین و تصویب دوره‌های تحصیلی و برنامه‌های تحصیلی در مدارس متوسطه و مدارس عالی و دانشکده‌های دانشگاه تهران) بود. در ۱۳۰۶ تلاش‌ها برای همگانی‌کردن آموزش و اعمال حاکمیت دولت بر آموزش و ایجاد یک نظام آموزشی متمرکز شدت گرفت. مواد و عناصر علوم جدید به تدریج در میان دانش‌آموزان و دانشجویان راه یافت. نظام آموزشی به تربیت نیروهای متخصص و برخوردار از علوم و فنون جدید به‌منظور به‌کارگیری آنان در دستگاه‌های دولتی توجه بیشتری کردند و راه یافتن به مقاطع تحصیلی بالاتر منوط به دریافت گواهینامه معتبر از مدارس و مراکز آموزشی رسمی شد.

بدین ترتیب از سال‌های ابتدایی حکومت پهلوی اول تا سال ۱۳۴۵ دوره‌های تحصیلی در ایران تقریباً با کمترین تغییرات در مفاد قانونی و مصوبات قانون اساسی معارف و قانون شورای عالی معارف و سایر قوانین شامل دوره ابتدایی شش سال و دوره اول متوسطه سه سال و دوره دوم متوسطه سه سال و دوره آموزش عالی در سطح لیسانس سه سال بوده است.

منابع و مأخذ:

- احتشام‌السلطنه، محمود. (۱۳۶۶). *خاطرات احتشام‌السلطنه*. به کوشش سید محمد مهدی موسوی، تهران: انتشارات زوار.
- اکبری، محمدعلی. (۱۳۸۴). *چالش‌های عصر مدرن در ایران عهد قاجار*. نشر روزنامه ایران.
- بوچانی، ابراهیم. (۱۳۹۲). سیاست‌گذاری‌های آموزشی نهادهای برآمده از مشروطه در اولین دوره مجلس شورای ملی، *اسناد بهارستان*. ش ۳، صص ۹-۲۷.
- حکمت، علی‌اصغر (۱۳۰۷). *تقویم معارف*، [تهران: وزارت معارف].



- دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، ۱۳۴۵، شماره ۱، صص ۱-۵۰.
- دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۶۲). *حیات یحیی*، ج ۱، تهران: عطا.
- راعی‌گلوچه، سجاد، داریوش رحمانیان. (۱۳۹۶). سیاست و آموزش در دوره پهلوی دوم، بررسی موردی چگونگی و فرایند تغییر مباحث و مصوبات شورای عالی فرهنگ (۱۳۳۲-۱۳۲۰)، *تاریخ اسلام و ایران*، دانشگاه الزهراء، سال بیست و هفتم، شماره ۳۵ (پیاپی ۲۳۵)، صص ۵۷-۸۰.
- رشدیه، میرزا حسن. (۱۳۹۴). *زندگینامه، آراء، نظرات و خاطرات*، تصحیح محمد بقایی، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی.
- شمیم، علی اصغر. (۱۳۵۷). *ایران در دوره سلطنت قاجار*. تهران: مؤسسه انتشارات مدبر.
- شوهانی، سیاوش. (۱۳۸۹). شورای عالی معارف، موافقان و مخالفان. *پیام بهارستان*، س ۲، ش ۷، صص ۴۸۳-۵۱۶.
- صافی، احمد. (۱۳۸۷). سیر تحول تربیت معلم در آموزش و پرورش معاصر ایران، *فصلنامه تعلیم و تربیت*، سال ۲۴، شماره ۴، صص ۱۷۳-۲۰۰.
- صافی، احمد. (۱۳۸۵). *سازمان و قوانین آموزش و پرورش ایران*، تهران: انتشارات سمت.
- صدیق، عیسی. (۱۳۵۲). *یادگار عمر*، تهران: طبع کتاب.
- صدیق، عیسی. (۱۳۵۵). *تاریخ فرهنگ ایران*، تهران: دانشگاه تهران.
- کرونین، استفانی. (۱۳۸۲). *رضاشاه و شکل‌گیری ایران نوین*، ترجمه غلامرضا بابایی، تهران: جامی.
- محبوبی‌اردکانی، حسین. (۱۳۵۰). *تاریخ تحول دانشگاه تهران و مؤسسات عالی آموزشی ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- محبوبی‌اردکانی، حسین. (۱۳۷۰). *تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران*، ج ۱، تهران: دانشگاه تهران.
- نصیری، مهدی. (۱۳۸۷). بررسی سیر تحولات نظام آموزشی مکتب‌خانه‌ای در دوره قاجار و پهلوی اول، *حوزه، دوره ۲۵*، شماره ۱۵۰، صص ۱۹۵-۲۸۸.
- نوابی، عبدالحسین. (۱۳۷۷). *دارالمعلمین عالی و برنامه مدارس، فصلنامه تاریخ معاصر ایران*، شماره ۵.
- تعلیم و تربیت*، ۱۳۰۶، سال سوم، شماره‌های ۱ و ۲ و ۳ و ۴.
- تعلیم و تربیت*، ۱۳۱۳، سال چهارم، شماره‌های ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۱۰ و ۱۲.
- تعلیم و تربیت*، ۱۳۱۵، سال ششم، شماره‌های ۶ و ۷ و ۸ و ۱۱.
- تعلیم و تربیت*، ۱۳۱۶، سال هفتم، شماره‌های ۸ و ۹ و ۱۰.
- تعلیم و تربیت*، ۱۳۱۷، سال هشتم، شماره‌های ۳ و ۴ و ۵ و ۶.



تعلیم و تربیت، ۱۳۰۵، سال دوم، شماره ۴.
سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، ۱۳۴۲۷-۲۹۷: ۳۰۱۵۲-۲۹۷: ۳۰۵۵۲-۲۹۷:
۲۹۷-۳۸۷۲۸: ۲۹۷-۳۸۲۴۲.
سالنامه و احصائیه معارف سال‌های ۱۳۰۸-۱۳۰۷، بی‌جا، وزارت معارف و اوقاف و صنایع
مستظرفه.